

پیش‌ها و پانچ‌ها

پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر منصوبه‌ها شیخ خراسانی حفظه الله تعالی

موضوع:

احکام؛ مشاغل و مکاسب حرام

بسم الله الرحمن الرحيم

پرسش

نویسنده: علی راضی

تاریخ: ۱۳۹۵/۱/۳۱

نظر علامه منصور هاشمی خراسانی در مورد عید نوروز باستانی که در بین ایرانیان از دیرباز دارای اهمیت است چیست؟

پاسخ

تاریخ: ۱۳۹۵/۲/۳

در میان روزهایی که اسلام عید دانسته است، روزی با نام «نوروز» وجود ندارد و با این وصف، کسانی که پیرو اسلام هستند نیز نمی‌توانند چنین روزی را عید بدانند یا با آن مانند عید برخورد کنند؛ چراکه در این صورت از اسلام پیروی نکرده‌اند؛ خصوصاً با توجه به اینکه چنین روزی در زمان رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نیز وجود داشت و اگر شایسته بود که عید شمرده شود، رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم آن را عید می‌شمرد، در حالی که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم آن را عید نشمرده و با آن مانند عید برخورد نکرد و تبعاً هیچ یک از صحابه و اهل بیت او نیز آن را عید نشمردند و با آن مانند عید برخورد نکردند، مگر معاویه پسر ابو سفیان که بنا بر روایتی آن را عید شمرده و با آن مانند عید برخورد کرد.^۱ آری، صرف نظر از روایتی ساختگی که در برخی منابع شیعی مانند «بحار الأنوار»^۲ به واسطه‌ی معلی بن خنیس از جعفر بن محمد صادق رسیده و فاقد اعتبار است، در روایتی واحد ولی مشهور از علی بن ابی طالب رسیده است که فرمود: «نُورُونا كُلُّ یَوْمٍ»^۳؛ «نوروز ما هر روز است» و این به معنای آن است که آنان روز خاصی را با این نام نمی‌شناخته‌اند و خاص کردن یک روز برای انجام کارهای شایسته را نیکو نمی‌دانسته‌اند،

۱. نگاه کنید به: الإستیعاب فی معرفة الأصحاب لابن عبد البر، ج ۳، ص ۱۴۲۰؛ سیر أعلام النبلاء للذهبی، ج ۳، ص ۱۵۷.

۲. بحار الأنوار للمجلسی، ج ۵۶، ص ۹۱.

۳. من لا یحضره الفقیه لابن بابویه، ج ۳، ص ۳۰۰؛ ربیع الأبرار للزمخشري، ج ۱، ص ۴۰؛ الأنساب للسمعانی، ج ۳، ص ۳۷؛ کنز العمال للمتقی الهندی، ج ۱۴، ص ۱۸۰.

بل معتقد بوده اند که کارهای شایسته باید در همه‌ی روزهای سال انجام شود، نه اینکه تنها در یک روز خاص انجام شود، یا بدتر اینکه در آن روز خاص هم انجام نشود!

آری، فرا رسیدن بهار، زمان زنده شدن طبیعت پس از مرگ است که نشانه‌ی قدرت خداوند و یادآور روز رستاخیز است و از این جهت، توجه بیشتر به آن برای عبرت گرفتن و شکر نعمت خداوند اشکالی ندارد، بلکه کاری بایسته است؛ چنانکه خداوند به این کار امر کرده و فرموده است: **﴿فَانْظُرْ إِلَى آثَارِ رَحْمَتِ اللَّهِ كَيْفَ يُحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا إِنَّ ذَلِكَ لَمُحْيِي الْمَوْتَىٰ وَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ﴾**^۱؛ «پس به آثار رحمت خداوند توجه کن که چگونه زمین را پس از مرگش زنده می‌کند، هرآینه او همان زنده کننده‌ی مردگان است و او بر هر کاری تواناست» و روشن است که آثار رحمت خداوند و زنده شدن زمین پس از مرگش، با فرا رسیدن بهار ظهور بیشتری می‌یابد و تبعاً توجه بیشتری را اقتضا می‌کند؛ همچنانکه کارهای شایسته‌ای مانند صله‌ی ارحام و اطعام مسلمانان در روزهای آغازین بهار -هرگاه به دور از اسراف، خرافات و رسوم زرتشتیان باشد- اشکالی ندارد، بل ترک این کارها در روزهای دیگر است که اشکال دارد؛ چنانکه یکی از یارانمان ما را خبر داد، گفت:

«كُنَّا مَعَ الْمَنْصُورِ فَاسْتَأْذَنَهُ رَجُلٌ مِّنَ الْخُرُوجِ، فَقَالَ لَهُمْ: أَيْنَ تَذْهَبُونَ إِنْ شَاءَ اللَّهُ؟ فَقَالُوا: هَذَا يَوْمُ النَّيَّزِ، فَتُطْعِمُ أَهْلِيْنَا، وَنُصَلُّ أَرْحَامَنَا، فَأَذِنَ لَهُمْ، فَلَمَّا خَرَجُوا، قُلْتُ لَهُ: أَأَذْنَتَ لَهُمْ أَنْ يُعْطَمُوا النَّيَّزُ؟ فَقَالَ كَمُغْصَبٍ: مَاذَا تُرِيدُ؟ أَتُرِيدُ أَنْ أَقُولَ لَهُمْ: لَا تُطْعَمُوا أَهْلِيَكُمْ، وَلَا تَصَلُّوا أَرْحَامَكُمْ؟ لَا وَاللَّهِ، لَا أَنَّهُمْ عَنِ الْمَعْرُوفِ! فَلَمَّا رَجَعُوا إِلَيْهِ بَعْدَ أَيَّامٍ قَالَ لَهُمْ: أَطْعَمْتُمْ أَهْلِيَكُمْ، وَوَصَلَّيْتُمْ أَرْحَامَكُمْ؟ قَالُوا: نَعَمْ، قَالَ: أَحْسَنْتُمْ، فَأَفْعَلُوهُمْ فِي كُلِّ شَهْرٍ! فَلَمَّا خَرَجُوا قُلْتُ لَهُ: وَاللَّهِ لَا تُخَالِفُكَ فِي شَيْءٍ إِلَّا وَالْحَقُّ مَعَكَ وَالْخَطَأُ مِنَّا»^۲؛ «به همراه منصور بودیم، پس مردانی از ما از آن جناب برای رفتن اذن خواستند، پس به آنان فرمود: کجا می‌روید اگر خدا بخواهد؟ گفتند: امروز روز نوروز است، پس به خانواده‌ی مان طعام می‌دهیم و به خویشان مان سر می‌زنیم، پس به آنان اذن داد، پس چون بیرون رفتند به آن جناب گفتم: آیا به آنان اذن دادی که نوروز را تجلیل کنند؟ پس در حالی که خشمگین به نظر می‌رسید فرمود: چه می‌خواهی؟! آیا می‌خواهی که به آنان بگویم به خانواده‌ی تان طعام ندهید و به خویشان تان سر نزنید؟! نه به خدا سوگند آنان را از معروف نهی نمی‌کنم! پس چون بعد از چند روز به نزد آن جناب بازگشتند به آنان فرمود: آیا به خانواده‌ی تان طعام دادید و به خویشان تان سر زدید؟ گفتند: آری، فرمود: خوب کردید، پس این دو کار را در هر ماه انجام دهید! پس هنگامی که بیرون رفتند به آن جناب گفتم: به خدا سوگند در هیچ چیزی با تو مخالفت نمی‌کنیم مگر اینکه حق با توست و خطا از ماست!»

۱. الزوم/ ۵۰

۲. گفتار ۱۱۱، فقره‌ی ۳

حاصل آنکه «نوروز» در اسلام عید شمرده نمی‌شود و مخصوص کردن آن به برخی کارهای شایسته جایز نیست، نه به این معنا که انجام آن‌ها در آن حرام است، بل به این معنا که انجام آن‌ها در روزهای دیگر نیز واجب است، جز کارهای شایسته‌ای مانند توجّه مخصوص به طبیعت و شکر مخصوص به درگاه خداوند و یاد مخصوص از روز قیامت که مقتضای فرا رسیدن بهار است و طبیعتاً اشکالی ندارد؛ همچنانکه کارهایی غیر اسلامی با صبغه‌ی خرافی و زرتشتی مطلقاً جایز نیست و تقلید از کافران شمرده می‌شود، مانند کارهای مرسوم در چهارشنبه‌ی آخر سال و لحظه‌ی تحویل سال و روز سیزدهم فروردین (حمل) که هیچ یک اصلی در اسلام ندارند و بعضاً بر خلاف مروّت هستند. خداوند به همه‌ی مسلمانان توفیق مسلمان زیستن و مسلمان مردن را عطا فرماید که توفیقی بالاتر از این نیست.



تاریخ: ۱۳۹۵/۲/۵

نویسنده: کامبیز

پرسش فرعی ۱

درباره‌ی فرهنگ عید نوروز نظر حضرت آقا را دریافتیم؛ منتها سؤالی که برایم ایجاد شد این است که کلاً رابطه‌ی دین با فرهنگ ملل چیست؟ البته با این فرض که فرهنگ یک ملت یک چیز ثابت نباشد و در طی زمان هم تغییراتی داشته باشد. خداوند شمارا خیر دهد و مرا با شما محشور کند.

تاریخ: ۱۳۹۵/۲/۱۳

پاسخ به پرسش فرعی ۱

«دین» به معنای مجموعه‌ی عقاید و احکام نازل شده از جانب خداوند است که به اقتضای کمال او، عیب و نقصی ندارد و تبعاً می‌تواند سعادت مردم در دنیا و آخرت را تضمین کند، در حالی که «فرهنگ» -در اینجا- به معنای مجموعه‌ی آداب و رسوم قومی است که به اقتضای عدم کمال اقوام، بی‌عیب و نقص نیست و تبعاً نمی‌تواند سعادت مردم در دنیا و آخرت را تضمین کند و با این وصف، واجب است که فرهنگ‌ها به دین عرضه شوند تا هر بخش از آن‌ها که با آن سازگار است حفظ شود و هر بخش از آن‌ها که با آن سازگار نیست اصلاح یا ترک شود. به عنوان مثال، بت‌پرستی یکی از آداب و رسوم اقوام مشرک بود که از گذشتگان به ارث برده بودند؛ چنانکه خداوند به نقل از آنان فرموده است: ﴿إِنَّ هَذَا إِلَّا خُلُقُ الْأَوَّلِينَ﴾؛ «این چیزی جز خلق و خوی گذشتگان نیست»، ولی اسلام به مبارزه با این خلق و خوی غلط برخاست، تا هنگامی که آن را از بین برد.

۱. الشعراء/ ۱۳۷



از اینجا دانسته می‌شود که فرهنگ‌های اقوام باید اسلامی شوند، بلکه اسلام باید به فرهنگ اقوام تبدیل شود؛ زیرا اسلام برای همه‌ی موضوعات زندگی حکم دارد و با این وصف، موضوعی نیست که بتوان درباره‌ی آن از اسلام تبعیت نکرد و هر آداب و رسومی که با اسلام منافات دارد، غلط است. البته تفاوت‌های طبیعی مانند تفاوت جنسیت، زبان، رنگ و نژاد در اسلام به رسمیت شناخته شده و عاملی برای «تعارف» به شمار رفته؛ چنانکه فرموده است: **يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا** ^۱ «ای مردم! ما شما را از مرد و زن آفریدیم و شما را ملت‌ها و اقوامی بر ساختیم تا یکدیگر را بشناسید، هرآینه گرمی‌ترین‌تان نزد خداوند پرهیزکارترین‌تان است»، ولی تفاوت‌های غیر طبیعی مانند تفاوت عقاید و اعمال که به معنای تفاوت پرهیزکاری است، در اسلام مطلوب نیست و «تفرقه» محسوب می‌شود؛ زیرا عقاید و اعمال ملت‌ها و اقوام، باید از عقلی مایه بگیرد و با دینی سازگار باشد که سرمایه‌ی مشترک و حلقه‌ی اتصال آنان است و به جنسیت، زبان، رنگ و نژاد آنان که میانشان متفاوت است مربوط نمی‌شود؛ چنانکه فرموده است: **وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا** ^۲؛ «و همگی به ریسمان خداوند چنگ در زید و تفرقه نورزید» و از این رو، جنسیت‌گرایی، زبان‌گرایی، رنگ‌گرایی و نژادگرایی در اسلام پسندیده نیست و «عصبیت» شمرده می‌شود و این عقل‌گرایی و دین‌گرایی است که در آن پسندیده است و به وحدت ملت‌ها و اقوام با وجود تفاوت‌های جنسیتی، زبانی، رنگی و نژادی‌شان می‌انجامد.

* برای آگاهی بیشتر، به متن عربی مراجعه کنید.



پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر معصوم‌ها شیخ جعفر سبحانی
مجلس خبرگان رهبری



۱. الحجرات / ۱۳

۲. آل عمران / ۱۰۳

